

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

خلود نفس از دیدگاه فارابی و ابن سینا و مقایسه آن با مفاد آیات و روایات

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر حسن معلمی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر سید محمود موسوی

نگارش:

معصومه صفدری

۱۳۸۸

تقدیم بہ:

مولایم اباعبداللہ الحسین (ع)
کہ مصادف با تاسوعا و عاشورای جانناہش این رسالہ خاتمہ یافت.

و تقدیم بہ:

پدرو مادرم کہ وجود خویش را بہ مصباح ہدایت آن روشن ساختند.

تَشْکُر و تَقْدِیر

- با سپاس از پدر و مادرم و تمام کسانی که مرا در راه دانش آموزی یاریام دادند.
- با تشکر از همسرم، که همراهی‌های صمیمانه و از سر صدق او اشتیاق و انگیزه‌ام را برای ادامهٔ مسیر افزون‌تر نمود.
- با تقدیر و سپاس فراوان از جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر معلمی که با راهنمایی‌های ارزنده خود، راهگشای من در تدوین این رساله بودند و تشکر ویژه از جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر موسوی که راهنمایی‌های ارزشمند خود را از بنده دریغ نفرمودند.
- و در پایان نیز قدردان و سپاسگزار دلسوزی‌ها و همراهی‌های آقای دکتر آکوچکیان و خانم مرضیه علیرضایی هستم، که وسعت‌بخش نگاه من به افق‌های برتر و عالی‌تر بودند.

چکیده

نفس با تعلق به بدن و به کارگیری آن خود را تا حدی به کمال می‌رساند، ولی آنچه مسلم است همراهی نفس با بدن مادی همیشگی نیست و ماده همیشه در تغییر و تبدیل و کون و فساد است و به همین جهت از نفس که مجرد است، جدا خواهد شد و نفس مسیر جدیدی را در پیش خواهد گرفت. لذا مرگ به معنای نابودی نیست بلکه قطع علاقه نفس از بدن است، و این نفس است که برای همیشه باقی خواهد ماند و جاودانه می‌شود.

خلود نفس را می‌توان هم از جهت عقلی و فلسفی و هم از جهت نقلی و متون الهی مورد بررسی قرار داد. از جهت عقلی، فیلسوف بزرگی چون فارابی، برخلاف آیات و روایات، معتقد به خلود و جاودانگی برخی از نفوس انسانی است و نفوس برخی دیگر را، مانند حیوانات، راهی وادی عدم و نیستی می‌داند. اما شیخ الرئیس ابوعلی سینا مطابق آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) نفس همه انسان‌ها را خالد و جاودان می‌داند و برای ادعای خود دلایلی را مطرح می‌کند.

جناب فارابی و ابن‌سینا هماهنگ با متون دینی، اهل بهشت را، جاودان در بهشت و سعادت می‌دانند و معتقدند برخی اهل جهنم از آن خارج می‌شوند و متکامل می‌گردند و برخی دیگر در آن خالد و معذب می‌مانند.

واقعیتی که باید به آن توجه شود این است که حقیقت معاد و جاودانگی نفس را هیچ کس آن گونه که باید نمی‌تواند تبیین نماید، چرا که بحث از این مسائل از امور غیبی ماوراءالطبیعه و پیچیده است، و آنچه مهم است توجه به نتیجه و ثمره اعتقاد به خلود نفس است و آن هم چیزی جز تغییر در اعمال و رفتارها و سوق دادن آن به سوی تقرب و نزدیکی به خداوند متعال نیست.

کلید واژه‌ها: نفس، خلود، تعین، نفوس، اتحاد نفوس، سعادت، شقاوت، فارابی، ابن‌سینا.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
پیشگفتار: مباحث مقدماتی.....	۳
تعریف تحقیق.....	۴
سؤال اصلی پژوهش.....	۴
فرضیه‌های پژوهش.....	۵
سؤالات فرعی پژوهش.....	۵
سابقه پژوهش.....	۵
اهداف پژوهش.....	۶
روش پژوهش.....	۶
مفهوم‌شناسی.....	۶
۱- نفس:.....	۶
معنای اصطلاحی نفس.....	۷
تفاوت نفس و روح.....	۹
۲- خلود:.....	۱۱
۳- تعیین.....	۱۲
۴- اتحاد.....	۱۲
فصل اول: خلود نفس از دیدگاه فارابی.....	۱۳
گفتار اول: تعریف و ویژگی‌های نفس.....	۱۷

تعریف نفس.....	۱۷
ویژگی های نفس.....	۱۸
۱- پیدایش نفس.....	۱۸
۲- حدوث نفس.....	۱۹
۳- نفس از مقوله جوهر است.....	۱۹
۴- وحدت نفس.....	۱۹
نفوس تنها متعلق به انسان نیستند.....	۲۰
گفتار دوم: خلود نفس.....	۲۱
تناسخ.....	۲۲
بقاء نفوس بعد از مرگ.....	۲۲
نفوسی که با مرگ نابود می شوند.....	۲۶
الف) اهل مدینه جاهلیه:.....	۲۶
ب) اهل مدینه ضاله:.....	۲۷
ج) اهل مدینه مبدله:.....	۲۷
اتحاد یا تعین نفوس بعد از مرگ.....	۲۸
گفتار سوم: سعادت و شقاوت نفوس.....	۳۰
تعریف سعادت.....	۳۰
۱- عامل سعادت یا شقاوت نفوس.....	۳۱
الف) علوم و معارف.....	۳۲
ب) دین.....	۳۳
ج) فلسفه.....	۳۳
د) هنر.....	۳۳
ه) اجتماع و تعاون.....	۳۴

۳۴ (و) زوال شرور
۳۵ ۲- خلود سعادت و خلود شقاوت
۳۶ جمع‌بندی و نتیجه
۳۷ فصل دوم: خلود نفس از دیدگاه ابن سینا
۴۱ گفتار اول: تعریف و ویژگی‌های نفس
۴۲ تعریف نفس
۴۳ تعریف دیگری از نفس
۴۴ ویژگی‌های نفس
۴۴ ۱- حدوث نفس
۴۶ ۲- تجرد نفس
۴۷ ۳- طبیعت نفس
۴۸ ۴- وحدت و بساطت نفس
۵۰ گفتار دوم: خلود نفس
۵۰ انواع خلود نفس
۵۰ ۱- تناسخ
۵۱ ۲- خلود نفس با ورود به عالمی دیگر
۵۱ الف) عدم بقای نفوس حیوانی
۵۲ ب) بقای تمام نفوس انسانی
۵۲ دلایل اثبات بقای تمام نفوس انسان
۵۶ کیفیت خلود نفس از نظر ابن سینا
۵۷ تعیین نفوس بعد از مرگ
۵۸ گفتار سوم: سعادت و شقاوت نفوس
۵۸ تعریف سعادت و شقاوت در نظر ابن سینا

۵۹	۱- عامل سعادت یا شقاوت نفوس.....
۶۰	الف) پیروی از شریعت و اهمیت به عبادت.....
۶۰	ب) نماز اشرف عبادات.....
۶۱	ج) زهد، عبادت و عرفان.....
۶۱	د) تهذیب نفس.....
۶۲	ه) پنج دستور اخلاقی.....
۶۳	۲- خلود سعادت و خلود شقاوت.....
۶۳	الف) خلود سعادت.....
۶۵	ب) خلود شقاوت.....
۶۸	جمع بندی و نتیجه.....
۷۰	فصل سوم: بررسی تطبیقی خلود نفس از منظر فارابی و ابن سینا.....
۷۳	گفتار اول: کلیات بحث نفس.....
۷۳	۱- روش.....
۷۴	۲- تعریف نفس.....
۷۵	۳- حدود نفس.....
۷۵	۴- طبیعت نفس.....
۷۷	گفتار دوم: خلود نفس.....
۷۹	کیفیت خلود نفس.....
۸۲	تعیین نفوس بعد از مرگ.....
۸۳	گفتار سوم: سعادت و شقاوت نفس.....
۸۴	عامل سعادت و عامل شقاوت.....
۸۵	خلود سعادت.....
۸۵	خلود شقاوت و عذاب.....

۸۶.....	منشأ بحث خلود عذاب.....
۸۷.....	مقایسه آراء فارابی و ابن سینا در خلود عذاب.....
۸۹.....	جمع بندی.....
فصل چهارم: خلود نفس از دیدگاه فارابی و ابن سینا و مقایسه آن با مفاد آیات و روایات.....	
۹۰.....	گفتار اول: خلود نفس از دیدگاه آیات و روایات.....
۹۲.....	تجرد نفس.....
۹۳.....	حیات برزخی.....
۹۴.....	ثواب و عقاب برزخی.....
۹۶.....	متحول بودن سرنوشت افراد در برزخ.....
۹۸.....	عوامل سعادت و شقاوت.....
۱۰۰.....	الف) عوامل سعادت.....
۱۰۰.....	۱- اسلام.....
۱۰۱.....	۲- قرآن.....
۱۰۱.....	۳- التزام به احکام و حدود اسلام.....
۱۰۳.....	ب) عوامل شقاوت.....
۱۰۳.....	۱- کفر.....
۱۰۳.....	۲- نفاق.....
۱۰۴.....	۳- شرک.....
۱۰۴.....	۱- گناه.....
۱۰۵.....	۲- ظلم و ستم.....
۱۰۵.....	۳- مخالفت با خدا و رسول خدا و عدم رعایت حدود الهی.....
۱۰۶.....	خلود بهشت.....
۱۰۷.....	خلود عذاب.....

- ۱۱۰.....چه کسانی مخلّد در عذاب هستند؟
- ۱۱۲.....گفتار دوم: مقایسه خلود نفس فارابی و ابن سینا با مفاد آیات و روایات
- ۱۱۲.....۱- روش
- ۱۱۳.....۲- حدود نفس
- ۱۱۳.....تیین علامه حسن‌زاده از روایات قدم نفس
- ۱۱۴.....۳- خلود نفس
- ۱۱۶.....۴- معاد روحانی و جسمانی
- ۱۱۸.....آیا آیات مربوط به لذت و آلام حسی و جسمانی قابل تأویل است؟
- ۱۱۹.....۵- برزخ
- ۱۲۲.....تکامل برزخی
- ۱۲۳.....۶- خلود سعادت و خلود شقاوت
- ۱۲۴.....شبهاتی پیرامون خلود اهل نار
- ۱۲۸.....جمع‌بندی و نتیجه نهایی
- ۱۳۱.....فهرست منابع
- ۱۳۲.....**فهرست منابع**

مقدمه

حافظ، از چشمه حکمت به کف آور جامی بو که از لوح دلت نقش جهالت برود^۱
حمد و ثنا خدایی را سزد که ملکش را بر مثال ملکوتش و ملکوتش را بر مثال جبروتش
آفرید و نفس انسانی را مظهر و مثال برای ذات و صفات و افعال خود خلق نمود، تا معرفت و
شناخت آن نردبانی باشد برای معرفت ربّ جلّ و علا.
جلوه‌ای کرد که بیند به جهان صورت خویش خیمه در آب و گل مزرعه آدم زد^۲

از دیرباز، شناخت جنبه ناپیدای واقعیت آدمی که آن را «نفس» نامیده‌اند، از موضوعات
مهم فلسفه بوده است، علم النفس در حوزه اندیشه اسلامی، دانش وسیع است و تقریباً همه
دانشمندان مسلمان، از حکمای بزرگ گرفته تا متکلمان، عرفا، مفسران قرآن، عالمان اخلاق
و پزشکان درباره آن سخن گفته‌اند.

این نوشتار کوششی است در بیان گوشه‌ای از مسائل مربوط به نفس آدمی و پرداختی از
مسئله جاودانی و خلود نفس.

اندیشه جاودانگی قدمتی به قدمت زندگی بشر دارد. کاوش‌های باستان‌شناسی به کشف
نشانه‌هایی انجامیده است، که از دل مشغولی‌های دیرپای انسان به اندیشه جاودانگی حکایت
دارد.

از یک سو، مرگ تجربه‌ای است که دامن‌گیر هر انسانی می‌شود و این خود به خود
اندیشه سرنوشت انسان پس از مرگ را پیش می‌کشد. واز سوی دیگر، اخبار و وعده و

۱ - شمس الدین محمد حافظ، *دیوان حافظ*، قم، نشر فراگفت، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲.

۲ - همان، ص ۱۵۲.

وعیدهایی که ادیان در باب زندگی پس از مرگ به پیروان خود می‌دهند هر موجود عاقلی را به تفکر در باب امکان و چیستی جاودانگی سوق می‌دهد.

انسان حقیقت‌جو همواره از منظر عقلی و فلسفی به جست و جوی این مسئله پرداخته است. تحقیق حاضر از منظر فلسفی - دینی مسئله خلود و جاودانگی نفس را بیان می‌کند. در این پژوهش با نگاهی مقایسه‌ای بین آراء فارابی وابن‌سینا و تطبیق آن با مفاد آیات و روایات به بحث خلود نفس توجه شده است. سؤال اصلی آن است که آیا پس از مرگ، حیاتی وجود دارد؟ آیا مجموعه معرفت‌های علمی و فلسفی بشری می‌تواند به تنهایی یاری دهنده انسان در گشودن این گره‌های فکری باشد؟

نگاهی تیزبینانه بر متون علمی و فلسفی آشکار می‌کند که بدون استمداد از یک منبع خطاناپذیر و فوق طبیعی، معرفت‌های بشری در دست‌یابی به دامن مراد، کامیاب نیست. امید است، این تحقیق گامی استوار در راستای تبیین و تحکیم بیشتر بنیان‌های فکری و عقیدتی باشد.

و من الله توفیق

پیشگفتار:

مباحث مقدماتی

تعریف تحقیق

خلود و جاودانگی نفس از جمله مهم‌ترین پرسش‌های انسان در طول تاریخ بوده و انسان همواره از درون فطرت خویش ندای جاودانگی را می‌شنیده و همیشه از مرگ و نیستی بیزار بوده است. امید به آینده و جاودانگی انسان، از اصول تمام ادیان الهی و معنابخش زندگی دردآلود آدمی است و آنچه نفس، این موجود بی‌همتای الهی را از دیگر موجودات متمایز می‌سازد، همین صفت بقا و جاودانگی آن است.

مسئله جاودانگی نفس را از جهات گوناگون می‌توان بررسی کرد؛ انسان حقیقت‌جو برای بررسی مدعای خود به دنبال دلایل عقلی و فلسفی می‌رود، و اگر متدین و معتقد به ادیان الهی باشد، دلایل عقلی و فلسفی خود را با مفاد متون دینی مقایسه می‌کند تا شک و تردیدی در او راه نیابد.

این پژوهش نیز سعی دارد، ابتدا مسأله خلود نفس را از جهت عقلی و فلسفی از دیدگاه دو فیلسوف بزرگ اسلامی، جناب فارابی و ابن سینا مورد بررسی قرار دهد، و سپس مفاد بیانات این دو بزرگوار را با یکدیگر و با متون دینی مقایسه نماید تا مشخص شود که تا چه حد گفته‌های آنان با آیات و روایات سازگار است.

سؤال اصلی پژوهش

دیدگاه فارابی و ابن سینا خلود نفس چیست و تا چه حد آراء آنها با مفاد آیات و روایات هماهنگ است؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- خلود نفس ابن سینا با آیات و روایات هماهنگ و سازگار است؟
- ۲- دیدگاه فارابی در خلود نفس با دیدگاه ابن سینا و مفاد آیات و روایات ناسازگار است؟

سؤالات فرعی پژوهش

۱. دیدگاه فارابی در خلود نفس چیست؟
۲. از نظر فارابی نفس چیست؟
۳. از نظر ابن سینا نفس چیست؟
۴. فارابی ابن سینا نفس را دارای چه ویژگی‌هایی می‌دانند؟
۵. آیا فارابی و ابن سینا تناسخ را قبول دارند؟
۶. آیا فارابی و ابن سینا بقای تمام نفوس انسانی را بیان می‌کنند؟
۷. آیا آنها قائل به نفس کلی هستند؟
۸. آیا از نظر آنها نفوس کثرت خود را بعد از مرگ حفظ می‌کنند؟
۹. نفوس، پس از مرگ گرفتار عذاب می‌شوند یا به سعادت می‌رسند؟
۱۰. آیا عذاب یا سعادت نفوس جاویدان است؟
۱۱. آیا با گذشت زمان معین، اهل عذاب، به عذاب عادت می‌کنند؟
۱۲. دیدگاه فارابی و ابن سینا در خلود نفس چه اشتراکات و تمایزاتی با هم دارد؟

سابقه پژوهش

مسئله نفس و خلود و جاودانگی آن از روزگاران دیرین در میان اندیشمندان و فیلسوفان مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گرفت و مبحث نفس به طور عام و خلود آن به طور خاص از مباحث مهم فلسفه اسلامی شمرده می‌شود.

لکن آنچه از مطالعه در آثار و مکتوبات پیرامون این مسئله برمی‌آید، این است که هیچ

رساله یا کتابی بالاخص به بررسی تطبیقی آراء جناب فارابی و ابن سینا در باب خلود نفس و مقایسه آن با مفاد آیات و روایات نپرداخته است، و این کار کاملاً جدید و ابتکاری است.

اهداف پژوهش

یکی از اهداف این تحقیق، دستیابی به دیدگاه فارابی و ابن سینا در بحث خلود نفس، و آگاهی بر نقاط افتراق و اشتراک این دو، و بررسی پیشرفت هر یک در این مسئله است. هدف دیگر اینکه آراء هر یک از فارابی و ابن سینا در باب خلود نفس، به طور جداگانه با مفاد متون اسلام بررسی شود و هماهنگی و سازگاری عقاید این دو فیلسوف بزرگ جهان اسلام با قرآن و احادیث سنجیده شود.

روش پژوهش

پژوهش مورد نظر یک تحقیق علمی و مطالعه‌ای تطبیقی است. اطلاعات و داده‌ها به روش مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده و به روش تحلیلی - توصیفی است. در این پژوهش سعی شده، دیدگاه‌های فارابی و ابن سینا بدون هیچ جانب‌داری مورد مطالعه و تحقیق واقع شود و سپس با توجه به متون دینی مورد ارزیابی قرار گیرد.

مفهوم‌شناسی

۱- نفس:

نفس در لغت به معانی متعددی آمده است، از جمله:

الف) نفس به معنای روح، جان و روان، چنانکه گفته می‌شود: «خَرَجَتْ نَفْسُ فُلَانٍ» یعنی روح فلانی خارج شد، یا (اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)^۱ یعنی خداوند ارواح را به هنگام مرگشان قبض می‌کند.^۲

۱ - زمر/۴۲.

۲ - محمد بن مکرّم بن منظور، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۳۳.

ب) قوه‌ای است که بدان جسم زنده است، جوهری است مجرد متعلق به تعلق تدبیر و تصرف، و او جسم و جسمانی نیست و این مذهب بیشتر محققان از حکما و متکلمان است.^۱

ج) نفس به معنای حقیقت و تمام شیء؛ مانند: «قتل فلان نفسه و اهلک نفسه: ای اوقع الاهیلاک بذاته کلها و حقیقته» یعنی تمام ذات و حقیقت فلانی هلاک شد.^۲

معنای اصطلاحی نفس

بهترین تعریفی که مورد قبول فلاسفه بزرگ واقع شده، تعریفی است که جناب صدرالمتألهین از نفس ارائه داده است، و آن عبارت از: «النفس کمال اول لجسم طبیعی یصدر عنه کمالاته الثانیة بآلات»^۳؛ «نفس کمال اول برای جسم طبیعی است که کمالات ثانیه و افعال و آثار خود را با آلات و قوا انجام می‌دهد».

برای فهمی درست و دقیق، هر یک از الفاظ به کار رفته در این تعریف را، تبیین می‌کنیم.

- کمال اول:

«کمال اول» در مقابل «کمال ثانی» است، که قبل از پرداختن به این دو، لازم است اصل کمال تفهیم شود.

فلاسفه کمال را «مبدأ فعلیت شیء» دانسته‌اند؛ «آنچه که شیء به وسیله آن فعلیت پیدا می‌کند»^۴.

در جای دیگر آمده است: «آنچه تمامیت شیء به آن است، آن را کمال آن شیء می‌نامند و این معنای نسبی است و کمال هر موجودی به فعلیت آن است و نحوه وجودی هر موجودی

۱ - علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۴۶، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش، ص ۶۶۱.

۲ - محمد بن مکرم بن منظور، پیشین، ص ۲۳۳.

۳ - صدرالمتألهین، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۶.

۴ - ملاحادی سبزواری، شرح منظومه، مصحح آیت الله حسن‌زاده آملی، جلد ۴، تهران، انتشارات ناب، ۱۳۶۹، مقصد رابع، فریده ثانیه، ص ۲۴۸.

در همان کمال آن است.^۱

هر جسمی متشکل از ماده و صورت است، ماده شیء، قوه محض است و فعلیتی در آن نیست تا بتواند کمال و مبدأ فعلیت شیء باشد، بنابراین صورت و آثاری که به واسطه صورت شیء بر آن مترتب می‌شود کمال آن شیء است. از این جا اول و ثانی بودن کمال مشخص می‌شود، چیزی که اصل فعلیت شیء را بر عهده دارد کمال اول و آنچه که عهده‌دار فعلیت آثار و صفات شیء است کمال ثانی نامیده می‌شود؛ به عبارت دیگر کمال ثانی نتیجه افعال و انفعالات شیء است.

کمال اول مانند شکل شمشیری برای شمشیر و کمال ثانی مانند بریدن برای شمشیر و رؤیت و احساس برای انسان است.^۲

- طبیعی: با این قید، جسم صناعی از دایره تعریف خارج می‌شود. جسم صناعی دارای صورت طبیعی نیست، بلکه به واسطه عامل خارجی واجد صورت و شکل صناعی شده است، در حالی که جسم طبیعی دارای یک ماهیت نوعیه حقیقی و صورت طبیعی است.^۳

- انجام دادن کمالات ثانیه با آلات و قوا: منظور از «کمالات ثانیه» افعال و آثار است. با افزودن این قید، صورت‌های نوعیه از دامنه تعریف خارج می‌شوند. بنابراین صور نوعیه عنصری یا معدنی که فعل آن‌ها به استخدام آلات نیست - در اصطلاح حکما - «نفس» شمرده نمی‌شوند،^۴ هرچند نفس خود صورت نوعی است، اما فرقی با صور نوعیه دیگر در همین قید است.

۱ - جعفر سبحانی، *مصطلحات فلسفی صدرالمتهلین شیرازی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۴۰، ص ۱۹۷.

۲ - ابن سینا، *شفاء (الطبیعیات)*، جلد ۲ النفس، قم، نشر مکتبه آیت الله المرعشی، ۱۴۰۵، ص ۱۰.

۳ - محمدتقی مصباح یزدی، *شرح اسفار*، ج ۸، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۷۸-۷۹.

۴ - ملاهادی سبزواری، *اسرار الحکم*، با مقدمه و حواشی میرزا ابوالحسن شعرانی، چاپ دوم، بی‌جا، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۲، ص ۱۷۶.

تفاوت نفس و روح

در منابع دینی و فلسفی گاهی کلمه «روح» به معنای «نفس» به کار رفته است و جای این دو کلمه با هم عوض می‌شود و به جای همدیگر قرار می‌گیرند. پرسشی که ممکن است به ذهن خطور کند این است که آیا روح همان نفس است یا معنای دیگری دارد؟ و در صورت حکم به غیریت چه رابطه‌ای بین این دو وجود دارد؟

کسانی مانند شیخ مفید، روح و نفس را در قرآن و روایات متفاوت از یکدیگر دانسته و در ردّ وحدت نفس و روح چنین می‌گویند:

«نفس عبارت است از این معانی: (۱) ذات شیء (۲) خون گردش کننده (۳) نفسی که هواست (۴) خواهش و میل طبع... و اما روح را نیز معنی‌های مختلف است: (۱) زندگی (۲) قرآن، (۳) فرشته‌ای از فرشتگان خداوند، (۴) جبرئیل.»

اما وی در حکمت و فلسفه، حسب گفته‌ها و مطالبی که از او نقل شده است، انسان را همان روح و نفس می‌داند، و این دو لفظ را واحد و مترادف و نام یک چیز و به یک معنا می‌شناسد.^۱

صدرالمتألهین در بعضی موارد برای «روح» معانی گوناگونی ذکر کرده است و در مواردی دیگر نیز «روح» و «نفس» را مترادف با هم و در کنار یکدیگر ذکر فرموده است.

معانی گوناگون «روح»: الف- «روح» به معنای «روح بخاری» است که جرمی لطیف و

شاید امری غیر مادی در مرتبه بین جسم و نفس و رابط میان آن دو است.^۲

ب- معنای دیگر روح، حیات است و آن چیزی است که موجب تحرک و اعمال

حیوانی است و به آن «قوة حیوانی» و «روح حیوانی» می‌گویند.

ملاصدرا به مناسبت‌هایی از آن یاد کرده، از جمله:

«و منه ما هو حیوانی یختص بالمزاج الحیوانی.»

۱ - محمد خامنه‌ای، روح و نفس، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶-۱۵۶.

۲ - صدرالمتألهین، شواهد الربوبیه، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۶، ص ۱۹۴.